

• یکشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۴

• سال سی و دوم • شماره ۸۷۶۰

سرمقاله

تعطیلی، مسکن‌هایی که بحران را پنهان می‌کنند

دکتر مهرداد مظفری – عضو هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی

در مواجهه با بحران‌هایی مانند کم‌آبی، کمبود برق یا آلودگی هوا، سیاست‌گذاران اغلب به راه‌حل‌های سریع و مقطعی مانند تعطیلی‌های سراسری یا طرح‌هایی مثل زوج‌وفرد روی می‌آورند. اما آیا این ابزارها می‌توانند حلقه معیوب بحران‌ها را بشکنند؟

پیتر سنگه، نظریه‌پرداز تفکر سیستمی، در کتاب پنجمین فرمان هشدار می‌دهد که راه‌حل‌های سریع، مانند مسکن، تنها علائم بیماری را می‌پوشانند و ریشه مشکل را حل نمی‌کنند. او می‌نویسد: «رفق‌رهای سیستم‌ها نتیجه ساختار آن‌هاست، نه ویژگی‌های اجزا.» در ایران، تجربه نشان داده که محدودیت‌های مقطعی، مانند تعطیلی ادارات یا طرح زوج‌وفرد، اغلب به تشدید بحران در بلندمدت منجر می‌شوند.

نمونه‌های واقعی: زوج و فرد و تعطیلی

طرح زوج‌وفرد در تهران: این طرح با هدف کاهش ترافیک و آلودگی هوا اجرا شد. در کوتاه‌مدت، تردد خودروها و آلودگی کاهش یافت، اما در بلندمدت، افزایش خرید خودروهای دوم، اجاره پلاک و سواستفاده از مجوزها باعث شد مشکل با شدت بیشتری بازگردد.

تعطیلی‌های اجباری: برای مدیریت کمبود آب، گاز یا برق، تعطیلی ادارات و مدارس بارها اعمال شده است. این اقدام فشار بر سیستم را موقتاً کاهش می‌دهد، اما الگوی مصرف مردم تغییری نمی‌کند و بحران پس از رفع تعطیلی دوباره سر برمی‌آورد. بدتر اینکه، اعتماد عمومی به سیاست‌گذاری‌ها کاهش می‌یابد.

تله‌های مسیر اشتباه

اتکا به راه‌حل‌های موقت، مانند تعطیلی یا محدودیت‌های اجباری، چند مشکل اساسی ایجاد می‌کند:

تأخیر بازخورد: بحران موقتاً فروکش می‌کند، اما با شدت بیشتر بازمی‌گردد.

حفظ ساختار معیوب: عواملی مانند مصرف بی‌رویه، بی‌اعتمادی عمومی، و تمایل به دور زدن قوانین همچنان پابرجا می‌مانند.

عدم مشارکت مردمی: سیاست‌های دستوری، بدون ایجاد انگیزه و آموزش، به همکاری عمومی منجر نمی‌شوند.

برای شکستن حلقه بحران، باید از تفکر سیستمی استفاده کنیم:

ریشه‌یابی ساختاری: شناسایی عوامل پنهان بحران، مانند الگوهای نادرست مصرف، نبود شفافیت، یا ضعف آموزش.

سیاست‌های پایدار: اجرای تعرفه‌های پلکانی، ابزارهای هوشمند مدیریت مصرف، و آموزش رفتاری برای تغییر الگوهای مصرف.

مشارکت و شفافیت: استفاده از داده‌های باز، جلب مشارکت ذینفعان، و پایش سیاست‌ها با داده‌های واقعی، به‌جای واکنش به فشارهای اجتماعی یا خبری.

همانگونه که سنگه تأکید می‌کند: برای تغییر پایدار، باید کل الگوهای سیستم را دید، نه فقط نشانه‌های بحران

باید برای حل پایدار بحران‌ها، منابع نیازمند یادگیری جمعی، اصلاح سیاست‌های تشویقی و تنبیهی، و شفافیت در داده‌هاست و تا زمانی که به جای ریشه‌ها، به علائم بحران بپردازیم، حلقه معیوب بحران‌ها نکشته نخواهد شد.

خبر

نماینده سابق مجلس شورای اسلامی مطرح کرد؛

اثر ناترازی بانکی بر تورم

نماینده پیشین مجلس با اشاره به اینکه، اکنون، زمان مناسبی برای اتخاذ تصمیمات اساسی مرتبط با اصلاحات اقتصادی است تأکید کرد، ناترازی نظام بانکی، ریشه ۱۰ درصد از تورم ۴۰ درصدی فعلی کشور است.

به گزارش تسنیم، محمدرضا پورابراهیمی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی، با اشاره به وضعیت نابسامان نظام بانکی کشور، بخش قابل توجهی از تورم فعلی را ناشی از ساختارهای ناکارآمد داخلی، خصوصاً ناترازی بانک‌ها دانست و خواستار تصمیم‌گیری فوری برای اصلاح این وضعیت شد.

وی در گفت‌وگویی تصریح کرد: «بخشی از این تورم ناشی از شرایط ساختاری در اقتصاد ایران است که به دلیل انباشت تصمیم‌گیری‌های ناتمام در سال‌های گذشته، اکنون تشدید شده است. علیرغم هشدارهای مکرر طی سال‌های اخیر درباره ضرورت اصلاح این ساختارها، همچنان تورم مزمن در حال آسیب‌زدن جدی به معیشت مردم است.»

افزایش بی‌سابقه بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی

پورابراهیمی با اشاره به رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی اظهار داشت:«در پایان سال ۱۴۰۳، میزان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی به ۱۱۷۰ هزار میلیارد تومان رسید؛ در حالی که این رقم در سال ۱۴۰۲ حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بود؛ یعنی حدود ۵۰ درصد افزایش تنها در یک سال.»

پیش‌بینی بدهی ۱۵۰۰ هزار میلیاردی بانک‌ها به بانک مرکزی در ۱۴۰۴

وی ادامه داد: «اگر همین روند ادامه یابد، پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال جاری این بدهی به حدود ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. این رشد، آثار مستقیم در افزایش پایه پولی، نقدینگی و در نهایت تورم دارد. هر کارشناس اقتصادی می‌تواند این رابطه مستقیم را تحلیل کند.»

تنها یک بانک، مسبب ۵ درصد از تورم سالانه

نماینده پیشین کرمان در مجلس شورای اسلامی در ادامه گفت:«بر اساس برآوردهای کارشناسی، از حدود ۴۰ درصد تورم موجود در اقتصاد کشور، ۱۰ واحد درصد آن به‌صورت مستقیم ناشی از ناترازی در نظام بانکی است. جالب آنکه ۵ واحد درصد از این ۱۰ درصد، تنها به یک بانک خصوصی تعلق دارد که با اضافه برداشت‌های مستمر از بانک مرکزی، سالانه این میزان تورم را به مردم تحمیل می‌کند.»

او با انتقاد از ضعف نظارت بانک مرکزی افزود: «متأسفانه بانک مرکزی در پاسخ‌گویی و اصلاح وضعیت این بانک‌ها کوتاهی کرده است. اگر این بانک‌ها در کشورهای دیگر فعالیت داشتند، با ورشکست می‌شدند یا شش‌ماهه توقیف ساختار بودند؛ نه اینکه با پشتیبانی غیرشفاف، هزینه‌های خود را به کل اقتصاد تحمیل کنند.»

پورابراهیمی در ادامه با تأکید بر این نکته که بانک‌های خصوصی سهم عمده‌ای در خلق نقدینگی بی‌پشتوانه دارند، گفت: «برخی تصور می‌کنند که ناترازی‌ها فقط مربوط به بانک‌های دولتی است و می‌توان از کنارشان با اغماض عبور کرد. اما واقعیت این است که اکنون بانک‌های خصوصی نیز به‌شدت ناتراز هستند و برخی از آن‌ها با تصمیمات غلط، بار اصلی فشار پولی را به دوش نظام و مردم گذاشته‌اند.»

وی افزود: «در حال حاضر، حدود هفت تا هشت بانک اصلی در کشور در وضعیت ناترازی شدید قرار دارند و یکی از آن‌ها به‌تنهایی ۵۰ درصد از کل بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را به خود اختصاص داده است. این رقم نگران‌کننده است و نیاز به مداخله فوری دارد.»

سند کمپانی و برگ سبز شناسنامه خودرو سواری سمند به رنگ سفید شیری مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی(۶۵۶۲۹۱۶۵ایران ۹۸) و شماره موتور ۰۷۱۶۱۱۴۹۹۰ و شماره شاسی NAACN۱CM۳BF۷۵۳۳۵۸ بنام آقای روح اله پرماسی به شماره ملی ۴۵۰۰۸۴۸۵۹۲ مفقود گردیده که از درجه اعتبار ساقط است

جهان اقتصاد از بحران برق و سایه تاریک ناترازی انرژی بر صنعت ایران گزارش می دهد

تولید متوقف، اشتغال تهدید شده است



کنار این، افزایش محدودیت‌های برق از دو به سه روز در هفته در شهرک‌های صنعتی باعث شده است فروش شرکت‌ها کاهش یافته و اشتغال به خطر بیفتد. از نظر اقتصادی، خسارت ناشی از قطعی برق در صنایع کوچک و متوسط طی سال‌های اخیر بالغ بر ۴۴۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که کاهش تولید بین ۷ تا ۲۰ میلیارد دلار نیز در این بازه زمانی گزارش شده است. این اعداد نه تنها نمایانگر ابعاد گسترده بحران هستند بلکه زنگ خطری برای اقتصاد ملی به شمار می‌رونداز سوی دیگر، بخش فولاد به دلیل مصرف بالای انرژی بیشتر از سایر صنایع تحت تأثیر ناترازی برق قرار گرفته و کاهش تولید آن پیامدهای گسترده‌تری در بازارهای داخلی و خارجی داشته است.

در برخی دوره‌ها مواجهه شده که نتیجه آن کاهش چشمگیر تولید و خسارات مالی سنگین بوده است. صنایع کوچک، که بیش از ۵۰ درصد ظرفیت تولید خود را به دلیل خاموشی از دست داده‌اند، بیش از سایر بخش‌ها آسیب دیده‌اند. خاموشی‌های مکرر و نوسانات برق باعث شده است که بسیاری از این واحدها نتوانایی ادامه فعالیت را نداشته باشند و این موضوع به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و توقف سرمایه‌گذاری در بخش صنعت منجر شده است.گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس همچنین تأکید دارد که خاموشی‌ها تنها به فصل تابستان محدود نبوده و از فروردین‌ماه آغاز شده است، که نشان‌دهنده تلاوم بحران و عدم برنامه‌ریزی مناسب برای مدیریت انرژی است. در

پیشکسوت بازار سرمایه:

بدون حل مسئله سیاسی،کمتر سیاست اقتصادی می‌تواند بازار را به حرکت درآورد

عمومی کمک شود.

۷- اگر صندوق تثبیت بازار از سهامداران حقیقی بزرگ حمایت کرده باشد، چه اشکالی دارد؟

هدف صندوق تثبیت، حمایت از کلیت بازار است، نه از چند نماد خاص. اگر منابع به سمت سهام‌هایی برود که رانت‌محور هستند یا ارتباطات خاص دارند، سرمایه‌گذاران خرد احساس تبعیض می‌کنند. این کار به جای کاهش اضطراب، باعث افزایش نارضایتی می‌شود.

۸- آیا این وضع ربطی به آسیب‌های زیرساختی مثل برق یا گاز هم دارد؟

بله، البته. اگرچه جنگ آسیبی مستقیم به زیرساخت‌ها وارد نکرد، اما مسائلی مانند کمبود برق و گاز، و مشکل آب در برخی مناطق، تولید را پرهزینه‌تر کرده است. بنگاه‌ها با افزایش هزینه‌های انرژی و مواد اولیه مواجه شده‌اند. اما با این حال، آنچه شاخص بورس را زمین‌گیر کرده، عمدتاً سیاسی و روانی است، نه صرفاً عملکرد بنگاه‌ها.

۹- چه باید کرد؟ راه‌کار چیست؟

تا زمانی که وضعیت سیاسی شفاف نشود، اعتماد بازنگردد، و افق روشنی از آینده به جامعه ارائه نشود، بازار سرمایه بهبود جدی نمی‌یابد. راه‌کار، در وهله اول، سیاسی است. باید انتظارات اصلاح شود، و این سیاسی، کمتر سیاست خارجی و فضای عمومی ممکن نیست.

۱۰- در این وضعیت، چه نقشی برای سیاست‌گذار مالی وجود دارد؟

سیاست‌گذار مالی باید محتاطانه رفتار کند. بودجه دولت باید اقتضای و ضدتورمی باشد، نه گسترش‌دهنده بی‌پشتوانه هزینه‌ها. تأمین مالی دولت از طریق بازار بدهی نباید بازار سرمایه را بیشتر تضعیف کند. هم‌چنین، باید مراقب بود که حمایت‌های پراکنده و تبلیغاتی جایگزین اصلاحات ساختاری نشود.

۱۱-سرمایه‌گذاران چه کنند؟ بمانند یا خارج شوند؟

۳- یعنی بازار سرمایه سقوط کرده چون بنیادی شرکت‌ها مشکل دارد؟

نه الزاماً. اتفاقاً بسیاری از کارخانه‌ها و بنگاه‌های تولیدی، از جنگ مستقیم آسیب ندیده‌اند. تولید ادامه دارد. اما آنچه باعث افت شاخص شده، کاهش اعتماد عمومی، ضعف انتظارات، و فضای سیاسی مبهم است. قیمت سهم‌ها در بازار، بازتاب وضعیت روانی جامعه است، نه صرفاً عملکرد شرکت‌ها.

۴- این ترس و بی‌اعتمادی از کجا آمده؟

مردم به نهادهای اقتصادی و سیاسی بی‌اعتماد شده‌اند. تجربه‌های اخیر مانند نوسانات نرخ ارز، بی‌ثباتی مقررات، تصمیم‌های ناگهانی، و فضای غیرشفاف باعث شده فعال اقتصادی نخواهد ریسک کند. به‌ویژه بعد از جنگ و با احتمال تشدید تحریرها، فعال اقتصادی عقب‌نشینی می‌کند و تصمیم را به آینده موکول می‌کند.

۵- پس آیا می‌توان گفت مشکل بازار سرمایه، فقط اقتصادی نیست؟

دقیقاً. اتفاقاً بازار سرمایه در ایران در ماه‌های اخیر بیش از آن‌که از اقتصاد تبعیت کند، از سیاست تبعیت کرده و در ماه‌های پیش رو هم چنین خواهد بود. اگر وضعیت سیاسی پرابهام باشد، انتظارات منفی شکل می‌گیرد و بازار قفل می‌شود. بدون حل مسئله سیاسی، کمتر سیاست اقتصادی بتواند بازار را به حرکت درآورد.

۶- آیا دولت می‌تواند با تزریق منابع یا حمایت از بازار سرمایه، وضعیت را بهبود دهد؟

سیاست‌های تنبیهی، مانند خرید سهام توسط صندوق تثبیت یا حمایت، چند روز ممکن است نوسانات را کم کند، اما مشکل اساسی را حل نمی‌کند. برخی گزارش‌ها نشان داده‌اند که در گذشته، تمرکز حمایتی بر برخی نمادهای خاص بوده است؛ اگر این روند ادامه یابد، ممکن است احساس تبعیض در میان سرمایه‌گذاران خرد ایجاد شود. صندوق‌های حمایتی باید از سهامداران خرد حمایت کنند تا به اعتماد



بحران ناترازی انرژی در ایران، صنایع کشور را با محدودیت‌های بی‌سابقه برق روبرو کرده است؛ محدودیت‌هایی که به ویژه بخش فولاد و صنایع کوچک را فلج کرده، کاهش تولید و زیان‌های مالی گسترده‌ای به بار آورده و تهدیدی جدی برای اشتغال و ثبات اقتصادی کشور محسوب می‌شود. این در حالی است که متولیان در برابر این بحران سکوت اختیار کرده‌اند و برنامه‌های حمایتی شفاف و عملی به چشم نمی‌خورد.

بحران ناترازی انرژی در ایران که طی سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور تبدیل شده است، در سال جاری به نقطه‌ای بحرانی رسید. محدودیت‌های تأمین برق نه تنها در فصل تابستان بلکه از ابتدای سال و فروردین‌ماه آغاز شده و با شدت بیشتری ادامه یافته است. این محدودیت‌ها به ویژه بر صنایع انرژی‌بر مانند فولاد و صنایع کوچک و متوسط تأثیرات ویرانگری گذاشته‌اند که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای به دنبال داشته است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش‌های متعددی به بررسی ابعاد این بحران پرداخته است. طبق این گزارش‌ها، خاموشی‌های مکرر و برنامه‌ریزی‌شده خطوط تولید را به توقف و کاهش بهره‌وری کشانده و روند تولید را به‌شدت مختل کرده است. به ویژه بخش فولاد که یکی از اصلی‌ترین صنایع انرژی‌بر کشور است، با کاهش مصرف برق بین ۳۰ تا ۹۰ درصد

حسین عبده‌تبریزی، پیشکسوت بازار سرمایه در گفت‌وگویی، وضعیت بازار سرمایه در دوران پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را تشریح کرد.

به گزارش سنا، مشروح گفت‌وگوی حسین عبده‌تبریزی، را می‌خوانید:

۱- به‌عنوان سؤال نخست، شما در مقاله‌ای از وضعیت «تعلیق» در اقتصاد ایران پس از جنگ

دوازده‌روزه صحبت کرده‌اید. یعنی چه؟

من در مقاله، کلمه «تعلیق» یا «suspension» را برای توصیف وضعیت اقتصاد امروز و از رشته‌ی مالی به عاریت گرفتم. این اصطلاح بیشتر در ادبیات مالی برای توقف معاملات یا موقتاً متوقف‌شدن یک روند (مثلاً تعلیق نماد) به کار می‌رود. اگرچه از نظر معنایی استفاده‌ی استعاری قابل‌فهم است، اما در ادبیات رسمی اقتصاد کلان، واژه‌ی «تعلیق» برای توصیف شرایط کل اقتصاد به‌کار نمی‌رود؛ بلکه از عباراتی مانند «وضعیت انتظار»، «بی‌تصمیمی گسترده»، یا «سرمایه‌گری همراه با انفعال» استفاده می‌شود.

در مقاله بنده نیز گفته شده که ما در شرایط «تعلیق» یا «ساستیشن» به سر می‌بریم. مردم هنوز در فضای روانی جنگ هستند. اگرچه شلیک‌ها متوقف شده، اما احساس خطر و بی‌ثباتی از بین نرفته است. جامعه در حالت تدافعی قرار دارد. دارایی مصرفی بلندمدت نمی‌خرند، سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، و اقتصاد به سمت انقباض حرکت می‌کند. نشانه‌هایی چون رکود در فروش کالاهای بادوام، کاهش سرمایه‌گذاری جدید، و افزایش بیکاری همه گواه این حالت تعلیق‌اند.

۲- وضعیت بازار سرمایه در این شرایط چگونه است؟ بازار سرمایه بازتاب همین تعلیق است. انتظار بی‌تصمیمی حاکم است. مردم و فعالان اقتصادی نمی‌دانند چه تصمیمی بگیرند. تصمیم‌گیری عقلانی در حالت تعلیق متوقف می‌شود. این شرایط روانی باعث می‌شود که خرید و فروش جدی شکل نگیرد، پول به بازار نیايد، و نقدشوندگی کاهش یابد.

به گفته کارشناس اقتصادی، تخصصی شدن بانک‌ها ضمن ارتقای شفافیت، منجر به بهبود بهره‌وری و تسهیل تأمین مالی بنگاه‌ها می‌شود.

به گزارش ایبنا، ماهه ۹ برنامه هفتم توسعه تأکید دارد که موسسات اعتباری و بانک‌ها باید به ۶ گروه تجاری، جامع، توسعه‌ای، تخصصی، تسهیلات پس‌انداز مسکن و قرض‌الحسنه تقسیم شوند. کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند این طبقه‌بندی شرایطی را فراهم می‌کند که هر بانک فقط به فعالیت‌های مرتبط با خود بپردازد. این وضعیت هم بهره‌وری را در شبکه بانکی و کل اقتصاد افزایش می‌دهد و هم فرایند توسعه کشور را سرعت می‌بخشد.

سعید سلطانی، پژوهشگر پولی و بانکی در این باره در گفت‌وگو با ایبنا با اشاره به اهمیت تخصصی شدن بانک‌ها اظهار کرد: تفکیک بانک‌ها به گروه‌های تخصصی و توسعه‌ای مبتنی بر اهداف کلان اقتصادی مانند کاهش ریسک سیستماتیک، شفافیت، افزایش بهره‌وری و پاسخگویی است. این مدل در کشورهای اروپایی مانند آلمان که دارای بانک‌های توسعه‌ای است و دیگر کشورها که دارای بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری هستند، تجربه شده است.

سلطانی تصریح کرد: در ایران نیز بانک مرکزی به منظور اصلاح ساختار شبکه بانکی، طرح طبقه‌بندی بانک‌ها به گروه‌های تخصصی را در دستور کار قرار داد. این سیاست با هدف ارتقای شفافیت، کارآمدی، پاسخگویی و نظارت اثربخش بر بانک‌ها طراحی شده و می‌تواند تحولات بنیادین در عملکرد بانک‌ها، رضایت مشتریان، ارائه خدمات باکیفیت به کسب و کارها و

این محدودیت‌ها علاوه بر اثرات اقتصادی، باعث بروز مشکلات اجتماعی از جمله افزایش بیکاری و ناآرامی‌های کارگری شده که می‌تواند ثبات اجتماعی کشور را نیز تهدید کند.مرکز پژوهش‌های مجلس بارها در گزارش‌های خود بر ضرورت تأمین برق پایدار و سرمایه‌گذاری گسترده در انرژی‌های تجدیدپذیر، به ویژه انرژی خورشیدی تأکید کرده است. این راهکارها می‌تواند به تدریج بحران ناترازی انرژی را کاهش داده و صنایع را از فشار خاموشی‌ها نجات دهد.

با این حال، متأسفانه سیاستگذاران و وزارتخانه‌های مرتبط تاکنون برنامه‌های حمایتی مشخص و عملی را اعلام نکرده‌اند و صنایع کوچک و متوسط همچنان بدون حمایت‌های لازم به فعالیت خود ادامه می‌دهند. این وضعیت اگر به‌زودی اصلاح نشود، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بلندمدتی به دنبال خواهد داشت که ممکن است فراتر از حوزه صنعت، کل کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

در نهایت، روشن است که مدیریت بحران ناترازی انرژی نیازمند هماهنگی میان وزارت نیرو، وزارت صنعت، معدن و تجارت و دیگر نهادهای مسئول است تا با برنامه‌ریزی شفاف و سیاست‌های حمایتی موثر، برق پایدار به صنایع کشور تأمین شود و سرمایه‌گذاری‌ها به جریان بیفتد.

بحران ناترازی انرژی به یک بحران ملی تبدیل شده است که صنایع کشور، به ویژه فولاد و صنایع کوچک را در معرض تهدید جدی قرار داده است. بدون برنامه‌ریزی و حمایت قوی، ادامه این روند می‌تواند باعث کاهش تولید، افزایش بیکاری و ناپایداری اجتماعی شود. لازم است دولت و متولیان مربوطه هر چه سریع‌تر با ارائه راهکارهای عملی و حمایت‌های لازم، این بحران را مدیریت کنند.

اگر بتوانند منتظر بمانند، بهتر است. خروج از بازار با زیان سنگین در چنین شرایطی به صلاح نیست. ورود جدید نیازمند تحلیل دقیق‌تر است. اگر افق روشنی از ثبات سیاسی مشاهده نمی‌شود، باید با احتیاط و صرفاً روی نمادهای بنیادین و ارزان با دید بلندمدت سرمایه‌گذاری کرد. عقلانیت حکم می‌کند که در زمان تعلیق، عجله نکنیم.

۱۲- آیا می‌توان از این بحران فرصتی ساخت؟

اگر تصمیم‌سازان درک کنند که بدون ثبات سیاسی، هیچ‌یک از بازارها رونق نمی‌گیرد، شاید این بحران آغازی بر اصلاح باشد. بازار سرمایه، چون آینه‌ای شفاف است، همه چیز را زودتر از بقیه‌ی بخش‌های اقتصاد نشان می‌دهد. اگر این هشدار را جدی بگیریم، می‌توان از فروپاشی بزرگ‌تر جلوگیری کرد.

۱۳- نکته دیگری در این زمینه دارید؟

من در پاسخ به سؤالات شما بیشتر مشکلات بازار سرمایه را به عامل سیاسی و فضای مبهم سیاست خارجی نسبت داده‌ام. این بدان معنا نیست که نقش دیگر عوامل اقتصادی و ساختاری بازار سرمایه ایران را نادیده بگیریم. بله افزایش نرخ بهره‌ی بدون ریسک و بازدهی جذاب بازار بدهی، به بازار سهام صدمه زد؛ ناکارآمدی ساختار نظارتی بازار سرمایه وجود دارد؛ مسئله بنیادی و ضعف بنگاه‌های تولیدی و افشای ناقص یا تاخیری اطلاعات شرکت‌ها هم مهم بوده؛ و آری نقدینگی به سمت سفته‌بازی در ارز، خودرو یا رمزارز هم در گذشته اهمیت داشته؛ اما در امروز ایران، بازار سرمایه در تعلیق روانی و سیاسی پسمیر می‌درآین وضع حاصل نااطمینانی، ضعف انتظارات، بحران اعتماد عمومی و ابهام در سیاست خارجی است. بازار، نه بر اساس اطلاعات بنیادی، بلکه بر اساس فضای سیاسی حرکت می‌کند. بنابراین، نمی‌توان با سیاست‌های اقتصادی صرف، آن را بهبود داد. در این مقطع، اولویت با بازسازی اعتماد عمومی، اصلاح انتظارات و شفاف‌سازی افق سیاسی کشور است. بازار سرمایه، شش‌پاؤل سایر بخش‌های اقتصاد است و صدای هشدارش را باید شنید.

رقابت سالم و نوآوری در ارائه خدمات تخصصی خواهد شد.

کسب و کارها؛ ذی‌نفعان بزرگ تخصصی شدن بانک‌ها سلطانی با اشاره به پیامدهای تخصصی‌سازی بانک‌ها بر کسب و کارها، گفت: کسب و کارها به عنوان بازیگران اصلی اقتصاد و اکو سیستم بانکی، یکی از بزرگ‌ترین ذی‌نفعان تخصصی شدن بانک‌ها خواهند بود؛ بنابراین طبقه بندی بانک‌ها مزایای متنوعی برای کسب و کارها دارد، که شامل افزایش دسترسی و سهولت به تأمین مالی هدفمند برای کسب و کارها، افزایش اطمینان از تداوم پشتیبانی مالی کسب و کارها و در نهایت افزایش شفافیت در نرخ‌ها و تسهیلات اعطایی به کسب و کارها است.

وی با اشاره به پیامدهای تخصصی سازی بانک‌ها بر اقتصاد کشور گفت: در سطح کلان، تخصصی شدن بانک‌ها می‌تواند اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی کشور داشته باشد. برخی از این موارد شامل تخصیص بهینه منابع و هدایت آن به حوزه‌های مولد مانند مسکن یا صنایع، کاهش ناکارآمدی، کاهش هزینه تأمین مالی کسب و کار، افزایش شفافیت مالی سیستم بانکی، بهبود تاب آوری مالی و در آخر پایداری در نظام بانکی است.

اصلاح ساختار شبکه بانکی

این پژوهشگر پولی و بانکی با تأکید بر این نکته که تخصصی‌سازی بانک‌ها تحولی راهبردی در مسیر اصلاح و بهبود نظام بانکی ایران خواهد شد، گفت: بهتر است تخصصی شدن بانک‌ها همراه با اصلاح ساختار بانک‌ها و مرتبط کردن بانک‌های تخصصی به پلنفرهای دیجیتال یا فناوری‌های مالی باشد.

برای مشتریان، گفت: بانک‌های تخصصی محصولاتی متناسب با نیاز مشتری طراحی و ارائه می‌کنند. همچنین تخصصی شدن بانک‌ها موجب بهبود کیفیت ارائه خدمت مالی خواهد شد؛ لذا هر مشتری بر اساس نیاز خود می‌تواند با یک بانک تعامل و ارتباط موثر داشته باشد.

این پژوهشگر پولی و بانکی با اشاره به پیامدهای تخصصی‌سازی بانک‌ها بر شبکه بانکی گفت: با تخصصی شدن بانک‌ها نظارت بانک مرکزی نیز هدفمند و تسهیل می‌شود.

وی افزود: تقسیم کار تخصصی، ساختار نظارتی بانک مرکزی را هدفمندتر خواهد کرد. همچنین این رویکرد مزایای دیگری دارد که شامل طراحی مقررات متناسب با مأموریت و چشم‌انداز هر گروه بانکی، کاهش تخلفات، بهبود مستمر کارایی، اثر بخشی سیستم نظارتی، ایجاد

سلطانی با اشاره به پیامدهای تخصصی‌سازی بانک‌ها

فولادی که در گرمای تصمیمات آب می‌شود



تولید فولاد در ایران سال‌ها به‌عنوان یکی از نمادهای قدرت صنعتی کشور شناخته شده است، اما این صنعت با وجود ظرفیت‌های گسترده، با چالش‌هایی مواجه است که نیاز به توجه جدی دارد. ایران در میان ده تولیدکننده بزرگ فولاد جهان قرار دارد، اما کیفیت تولید، بهره‌وری و جایگاه صادراتی ما هنوز با این رتبه همخوانی کامل ندارد به بیان دیگر، ما فولاد تولید می‌کنیم اما این صنعت هنوز به جایگاه توسعه‌یافتگی که شایسته آن است، نرسیده و برای تحقق این هدف نیازمند اصلاحات ساختاری و برنامه‌ریزی دقیق است.

اگر بخواهیم برای صنعت آهن و فولاد ایران نسخه‌ای بنویسیم، نخستین گام نگاه واقع‌بینانه به شرایط موجود است. این صنعت با وجود ظرفیت‌های بالقوه، تحت تأثیر سه عامل سیاست‌زدگی، تحریم و ضعف در مدیریت کلان قرار گرفته است در شرایطی که منطقه درگیر بحران‌های امنیتی و اقتصادی است و تحولات جهانی بازار انرژی را تحت تأثیر قرار داده، انتظار می‌رود صنعت فولاد ایران بتواند به سکوی جهش ملی تبدیل شود؛ اما برای رسیدن به این نقطه، بازنگری اساسی در سیاست‌گذاری‌ها

ورود تجهیزات نیروگاه خورشیدی به شرکت آلومینای

ایران؛ پروژه وارد مرحله اجرایی جدید شد

پروژه محسوب شده و اجرای طرح را وارد مرحله‌ای نوین نموده است.

پیش‌تر اقدامات زیرساختی شامل آماده‌سازی زمین، اجرای فونداسیون پست ها و ساخت پست های کمپکت ، ساخت تابلوهای LV و MV و عملیات فنس کشی آغاز شده بود و با ورود تجهیزات اصلی، عملیات نصب استراکچر و پتل‌ها آغاز میشود .

شرکت آلومینای ایران با بهره‌گیری از توان متخصصان داخلی و همکاری پیمانکاران مجرب، در نظر دارد تا هفته دولت بخشی از ظرفیت این نیروگاه را تکمیل نماید.

برای عبور از وضعیت فعلی، صنعت فولاد ایران بیش از هر زمان نیازمند یک استراتژی مشخص، واقع‌بینانه و مبتنی بر مزیت‌های نسبی کشور است. کاهش مداخلات غیرتخصصی، حرکت شرکت‌های بزرگ به سمت مدیریت حرفه‌ای و بازنگری در زنجیره ارزش از معدن تا محصول نهایی از الزامات این مسیر است. نوسازی فناوری تولید و ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی نیز باید در اولویت قرار گیرد تا فولاد ایران بتواند علاوه بر پاسخگویی به نیاز داخلی در بازارهای جهانی نیز جایگاهی پایدار پیدا کند.

تأمین انرژی پایدار، یکی از گلوگاه‌های اساسی صنعت فولاد است. بحران گاز در زمستان و کمبود برق در تابستان، تولید را غیرقابل پیش‌بینی کرده است. توسعه زیرساخت‌های انرژی و برنامه‌ریزی بلندمدت برای پایداری تأمین، شرط ادامه رشد و رقابت‌پذیری این صنعت است.

برای حرکت رو به جلو، ضروری است نگاه به فولاد از یک صنعت صرفاً تولیدی فراتر رود و به‌عنوان ابزاری راهبردی برای ارتقای جایگاه اقتصادی کشور در سطح منطقه و جهان دیده شود، تحقق این هدف نیازمند اصلاحات عمیق در ساختار مدیریتی، قوانین و استراتژی‌های کلان است؛ اصلاحاتی که آغاز آن می‌تواند آینده‌ای متفاوت برای این صنعت رقم بزند و فولاد ایران را به نماد واقعی توان صنعتی و مدیریتی کشور تبدیل کند.



بلکه به این دلیل که گاهی مانع بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ارتقای بهره‌وری شده‌اند. تحولات اخیر منطقه‌ای، فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی را پیش روی صنعت فولاد ایران قرار داده است از یک سو، تغییرات ژئوپلیتیکی ممکن است بر امنیت مسیرهای صادراتی تأثیر بگذارد و از سوی دیگر، نیاز کشورهای منطقه به بازسازی زیرساخت‌ها می‌تواند بازارهای تازه‌ای ایجاد کند این شرایط، لزوم هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و خارجی کشور را برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها بیشتر نمایان می‌کند.



باثبت رکورد جدید کیفی حاصل شد؛ تولید۹۹.۹۸ درصدی محصول فولاد هرمزگان مطابق باسفارش مشتری

نامتطبق با سفارش از نظر آنالیز شیمیایی و عیوب تختال (NC) در اردیبهشت ماه امسال ارتقا یافت و به میزان ۰,۰۲ درصد رسیده که کمترین مقدار این شاخص از ابتدای اندازه‌گیری آن است. به این ترتیب فولاد هرمزگان توانسته ۹۹,۹۸ درصد تختال خود را مطابق با سفارش مشتری تولید کند. سرپرست کنترل کیفی و آزمایشگاه‌های فولاد هرمزگان خاطرنشان کرد: دستیابی به رکوردهای کیفی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، ابزارهای مناسب، و نظارت مستمر است. این فرآیند نه‌تنها به پیشرفت فردی یا سازمانی کمک می‌کند، بلکه معیاری برای سنجش موفقیت در سطح ملی و بین‌المللی محسوب می‌شود.کشاورز در پایان ضمن قدردانی از کارکنان واحدهای تولید و کنترل کیفی عنوان کرد: شرکت فولاد هرمزگان تلاش می‌کند به عنوان پرچمدار تولید کیفی تختال فولادی در کشور، همواره بهترین محصول را مطابق با سفارش و آنالیز مورد نیاز مشتریان تولید کند.

کارکنان فولاد هرمزگان با برنامه‌ریزی دقیق و بررسی‌های روزانه کیفی موفق به تولید ۹۹.۹۸ درصد از تختال تولیدی مطابق با سفارش مشتری در اردیبهشت ماه شدند که رکورد جدید کیفی در این شرکت محسوب می‌شود.

سرپرست کنترل کیفی و آزمایشگاه‌های فولاد هرمزگان در گفت‌وگو با خبرنگار روابط عمومی با بیان مطلب فوق، گفت: کیفیت در صنعت نه‌تنها یک مزیت، بلکه یک ضرورت است که بر تمام جنبه‌های کسب‌وکار تأثیر می‌گذارد. صنایعی که کیفیت را در اولویت قرار می‌دهند، سودآورتر، پایدارتر و رقابت‌پذیرتر خواهند بود.وی افزود: با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام شده، اقدامات تعریف شده و بهبودهای حاصل شده در واحد فولادسازی و همچنین پایش مستمر و بهینه، تهیه و ارائه گزارشات کیفی به صورت روزانه و ماهانه، برگزاری جلسات فنی توسط واحد کنترل کیفی و آزمایشگاه‌ها، شاخص تختال‌های

روایت شفافیت، اعتماد و توسعه: فولاد خوزستان، پیشگام پیوند صنعت و جامعه

مناطق کمتر برخوردار و حتی آزادی زندانیان جرائم غیر عمد، همه و همه نشان از آن دارند که این شرکت به معنای واقعی، خود را عضوی از جامعه می‌داند؛ نه صرفاً تولیدکننده یک محصول صنعتی. در دنیایی که افکار عمومی و رسانه‌ها به‌حق خواهان شفافیت، گفت‌وگو و مسئولیت‌پذیری بیشتر از نهادهای اقتصادی هستند، فولاد خوزستان تلاش کرده است با حفظ شأن مخاطب، به جای واکنش منفعل، پیشگام ایجاد گفت‌وکل فعال، شفاف و حرفه‌ای باشد. اینکه مدیرعامل این شرکت در برابر بیش از ۱۸۰ خبرنگار با آرازش، صداقت و اعتمادبه‌نفس ایستاد و بی‌واسطه به دغدغه‌های جامعه پاسخ گفت، الگویی است که می‌تواند چراغ راه بسیاری از نهادهای تولیدی و اقتصادی کشور باشد.

ما در روابط عمومی فولاد خوزستان متقدیم که صنعت، بدون جامعه، بی‌ریشه است؛ و جامعه، بدون صنعت، بی‌پشتوانه. تنها با پیوند مؤثر، شفاف و متعهدانه این دو است که مسیر توسعه واقعی هموار خواهد شد. نشست اخیر را باید نه به‌عنوان یک رویداد خبری، بلکه به‌مثابه «نقطه عزیمت جدیدی» برای گسترش این پیوند دانست: پیوندی که اگر استمرار یابد، به الگویی ملی برای حکمرانی ارتباطی مسئولانه تبدیل خواهد شد



بود: فولاد خوزستان صرفاً یک بنگاه اقتصادی نیست، بلکه نهادی اجتماعی، ملی و مسئولیت‌پذیر است که خود را موظف به شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی و گفت‌وگوی عمومی می‌داند.

نشست خبری اخیر مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان، با حضور چشم‌گیر و بی‌سابقه بیش از ۱۸۰ خبرنگار از رسانه‌های ملی و استانی، نقطه عطفی در تاریخ تعامل صنعت و جامعه در استان خوزستان رقم زد؛ نشستی که تنها یک رخداد رسانه‌ای نبود، بلکه تجلی یک باور عمیق بود: فولاد خوزستان صرفاً یک بنگاه اقتصادی نیست، بلکه نهادی اجتماعی، ملی و مسئولیت‌پذیر است که خود را موظف به شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی و گفت‌وگوی عمومی می‌داند.

در روزگاری که بی‌اعتمادی، احتیاط یا گاه سکوت بر فضای ارتباطی برخی صنایع سایه افکنده، حضور داوطلبانه، پرشور و صمیمی خبرنگاران از سراسر کشور در این نشست و پاسخ‌های صریح و شفاف مدیریت ارشد شرکت، نشان از آن دارد که اعتماد میان صنعت و رسانه، نه امری تصادفی، بلکه نتیجه سیاست‌گذاری ارتباطی آگاهانه و راهبردی است. به‌بین روشن‌تر، فولاد خوزستان تنها به پرسش‌های جامعه

برگزاری دوره آموزشی نگهداری و تعمیرات در مجتمع شهرک صبانور

اصلاحی
▪ افزایش توانمندی در تشخیص و رفع خرابی‌های احتمالی
▪ کاهش توقفات ناخواسته خطوط تولید
▪ ارتقای ایمنی و افزایش عمر مفید تجهیزات
این آموزش گامی مؤثر در مسیر افزایش تولید و کاهش هزینه‌ها در سازمان به شمار می‌رود.

به‌منظور ارتقای دانش فنی کارکنان و بهبود بهره‌وری تجهیزات، دوره تخصصی «نگهداری و تعمیرات پیشگیرانه» با تدریس دکتر عرب شمالی و همکاری مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران در مجتمع شهرک برگزار شد.
محورهای اصلی دوره PM شامل موارد زیر است:
▪ آشنایی با اصول نگهداری و تعمیرات پیشگیرانه و

• یکشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۴۰۴

• سال سی‌ودوم • شماره ۸۷۶۰

یادداشت

راه عبور از کمبود انرژی

عبدالله باباخانی – تحلیلگر اقتصاد
فرض کنید از امروز بخواهیم انرژی ایران را از نو بازسازی کنیم؛ نه با شعار، نه با تعارف، بلکه با عده، منطق و مدیریت در تراز جهان امروز.
آیا می‌توان در یک دوره ۱۵ ساله، ایران را به «پایداری انرژی» رساند؟ پاسخ برخلاف تصور رایج، آری است؛ مشروط به چند پیش‌فرض ساده، اما بنیادین.
مطابق داده‌های تطبیقی از کشورهای دارای اقلیم مشابه مانند ترکیه، عربستان یا مکزیک، برای تأمین انرژی پایدار یک جمعیت ۸۰ تا ۸۵ میلیونی با الگوی زندگی شهری مدرن و صنعتی‌شده، نیازهایی در این حدود تعریف می‌شود:

حدود ۹۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال برای برق، گرمایش و صنعت، حدود ۱.۵ میلیون بشکه نفت و معیانات در روز برای تولید فرآورده‌های مورد نیاز داخلی مانند بنزین، دیزل و خوراک پتروشیمی، تأمین ۲۰ تا ۳۰ درصد سبد انرژی از منابع تجدیدپذیر شامل خورشیدی و بادی.

این ارقام نه تخیلی‌اند و نه افراطی؛ بلکه در کشورهای مانند برزیل، ترکیه و مالزی، با جمعیت مشابه و درآمد متوسط، به‌عنوان نقطه تعادل در حکمرانی انرژی پذیرفته شده‌اند.

آنچه ایران را از دستیابی به این تعادل بازداشته، کمبود منابع نیست؛ بلکه فقدان ساختار یکپارچه، نبود شفافیت، و اشتباهات در حوزه انرژی است.

با ایجاد یک ساختار متمرکز ملی برای انرژی نه تفکیک‌شده میان وزارت نفت، نیرو و سه نهاد دولتی دیگر و تنوین یک برنامه عملیاتی ۱۵ ساله، می‌توان به‌تدریج از بحران فعلی خارج شد. مسیر پیشنهادی، شامل سه مرحله کلیدی است: بازسازی زیرساخت‌های فرسوده برق و گاز، کاهش هدررفت انرژی که اکنون سالانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود و حذف بارانه‌های پنهان و بازتوزیع هدفمند و شروع ساختار جدید انرژی‌های تجدیدپذیر با ۵ تا ۷ گیگاوات ظرفیت اولیه.

سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌ها و تبدیل نفت خام به فرآورده، ایجاد شبکه برق هوشمند و مقاوم‌سازی در برابر بحران و تثبیت انرژی تجدیدپذیر به‌عنوان بازگرای اصلی در برق مصرفی شهرها نیز بسیار مؤثر است.

خبر

پیگیر تمدید بسته حمایت از صنایع هستیم

معاون وزیر صمت گفت: هم‌اکنون بسته حمایت از صنایع در حال اجراست و پیگیری‌های لازم برای تمدید این بسته در دستور کار ما قرار دارد.

ابراهیم شیخ، معاون صنایع عمومی وزیر صنعت، معدن و تجارت، در گفتگو با خبرنگار مهر درباره اینکه بسته حمایتی دولت از صنایع (پس از جنگ ۱۲ روزه) در حال اجراست یا خبر اظهار کرد: بله؛ در حال حاضر این بسته در دست اجرا قرار دارد و بر اساس آن مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات حمایتی در دستور کار قرار گرفته که شامل محورهایی همچون تأمین انرژی، ارائه تسهیلات سرمایه در گردش و تسهیل شرایط برای فعالان اقتصادی دارای چک‌های برگشتی است؛ به گونه‌ای که حساب‌های بانکی آن‌ها دچار محدودیت نشود.

وی افزود: از دیگر بخش‌های مهم این طرح، تسهیل در امور گمرکی و فراهم‌سازی امکان ترخیص صددرصدی کالاها از گمرک است که نقش قابل‌توجهی در تسریع فرایندهای تولید و عرضه دارد.

شیخ درباره تمدید بسته نیز تأکید کرد: این مجموعه اقدامات فرصت‌های مناسبی را برای فعالان صنعتی ایجاد کرده و با توجه به استقبال و نیاز موجود، به دنبال آن هستیم که مهلت اجرای آن‌ها تمدید شود.

وی گفت: پیگیری‌های لازم برای تمدید این بسته در دستور کار ما قرار دارد و این درخواست را از دولت مطرح خواهیم کرد.

انحصار در بازار خودرو باید پایان یابد

نماینده مجلس شورای اسلامی با انتقاد از انحصار در صنعت خودروی کشور، بر ضرورت واردات خودرو برای ایجاد رقابت و ارتقای کیفیت تأکید کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، مجتبی یوسفی، نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: در هر کالایی که انحصار وجود داشته باشد، کیفیت کاهش و قیمت افزایش می‌یابد، در حوزه خودرو نیز همین اتفاق افتاده است؛ نبود رقابت، انگیزه تولیدکننده را برای بهبود کیفیت و کاهش قیمت از بین برده است.

به گفته وی، بخش بزرگی از ناکارآمدی صنعت خودرو به دلیل سوءمدیریت و حضور مدیران سیاسی است که با تغییر دولت‌ها جابه‌جا می‌شوند و هزینه این ناکارآمدی از جیب مصرف‌کننده پرداخت می‌شود.

یوسفی افزود: در حال حاضر، قیمت خودروهای داخلی چند برابر قیمت همان مدل‌ها در کشورهای منطقه است. این اختلاف ناشی از نبود رقابت واقعی است.

این نماینده مجلس اضافه کرد: مجلس یازدهم و دوازدهم با تصویب مواد ۴ و ۱۱ قانون حمایت از صنعت خودرو، واردات خودروهای نو و کار کرده را با هدف افزایش رقابت، کاهش قیمت و ارتقای کیفیت به رسمیت شناخته‌بودی تأکید کرد: در بودجه سال جاری، مجلس سقف واردات خودرو را از دو میلیارد یورو به سه میلیارد یورو افزایش داد و پیشنهاد کاهش تعرفه واردات به کمتر از ۶۰ درصد را مطرح کرد؛ هرچند در مجمع تشخیص مصلحت نظام این پیشنهاد رد شد.

وی همچنین به وضع ناوگان حمل‌ونقل عمومی اشاره کرد و گفت: امروز بیش از ۵۰ هزار دستگاه خودروی تجاری، اتوبوس و کشنده نیازمند نوسازی هستند این در حالی است که قیمت یک اتوبوس شهری به بیش از ۲۵ میلیارد تومان رسیده و هزینه‌های گزاف موجب کاهش تعداد ناوگان فعال شده است.یوسفی مصرف بالای سوخت را از دیگر پیامدهای ضعف کیفی خودروهای داخلی دانست و گفت: در حال حاضر، روزانه بیش از ۶۰ میلیون لیتر گازوئیل و ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین مصرف می‌شود. خودروهای فرسوده و بی‌کیفیت سهم قابل توجهی در این مصرف بالا دارند، اما در عوض فشار افزایش قیمت سوخت بر مردم وارد می‌شود.

وی همچنین در پاسخ به پرسشی درباره اجرای طرح جوانی جمعیت برای خودروهای وارداتی افزود: این‌که فقط خودروهای اخلی مشمول چنین طرح‌هایی شوند نگاه حداقلی است. در شرایط فعلی، به دلیل محدودیت عرضه و تنوع پایین در بازار، مردم ناچار به شرکت در قرعه کشی‌ها هستند. ما باید به سمتی برویم که مردم حق انتخاب داشته باشند و نه اجبار.این نماینده مجلس تصریح کرد: واردات خودرو، به‌ویژه در حوزه خودروهای تجاری و حمل‌ونقل عمومی، نه فقط به کاهش مصرف سوخت و آلودگی کمک می‌کند، بلکه رقابت را به بازار بازمی‌گرداند. مجلس انتظار دارد دولت به اجرای مصوبات قانونی در این زمینه پایبند باشد.

تهران روزانه یک چهارم منابع آب خود را از دست می دهد

با وجود توزیع سالانه بیش از ۱.۲ میلیارد مترمکعب آب در شهر تهران، نزدیک به ۲۲ درصد از این منابع به دلایلی چون نشت از شبکه، انشعاب‌های غیرمجاز و خطاهای اندازه‌گیری، بدون مصرف واقعی از دست می‌رود. کارشناسان می‌گویند کاهش داوطلبانه تنها ۲۰ درصد از مصرف شهروندان می‌تواند به اندازه تمام این هدررفت، منابع آبی پایتخت را حفظ کند.

به گزارش ایسنا، در شهری که سالانه بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب توزیع می‌شود، بخشی از منابع تأمین‌شده نه به دلیل استفاده، بلکه به واسطه هدررفت واقعی و ظاهری از چرخه مصرف خارج می‌شود؛ رقمی در حدود ۲۲ درصد. این مقدار، معادل بیش از یک‌پنجم کل آب ورودی به شبکه است که نه هزینه‌ای بابت آن دریافت می‌شود، نه منجر به بهبود کیفیت زندگی مشترکان. در میان انواع هدررفت، سهم نشت ناشی از فرسودگی شبکه نسبتاً پایین گزارش شده و با حدود ۱۱ درصد، درمقایسه با متوسط جهانی حدود ۸ درصد، رقم قابل قبولی است. با این حال، ۱۱ درصد دیگر از هدررفت شبکه آب تهران ناشی از برداشت‌های غیرمجاز، معیوب بودن

شمارشگرها و ناشی از حوادث است.

در این میان، تلاش‌هایی برای کنترل فشار شبکه و کشف انشعاب‌های غیرقانونی، شناسایی کنتورهای معیوب و کاهش زمان رفع حوادث، با هدف کاهش این هدررفت‌ها در جریان است. اما روشن است که این اقدامات، بدون مشارکت و همکاری مستقیم مردم، به سقف اثربخشی خود نمی‌رسند. بخشی از انشعاب‌های غیرمجاز با گزارش‌های مردمی شناسایی می‌شوند، اما هنوز مسیر طولانی‌تری برای ارتقای فرهنگ مشارکت عمومی در مدیریت منابع پیش‌رو است.

سرانه مصرف آب هر تهرانی نیز بدون احتساب تلفات شبکه، نزدیک به ۱۹۵ لیتر در روز برآورد می‌شود؛ رقمی که با در نظر گرفتن کل هدررفت، به حدود ۲۵۰ لیتر می‌رسد که حدود دو برابر الگوی بهینه مصرف است، در این بین کاهش داوطلبانه و هدمند مصرف به میزان تنها ۲۰ درصد، می‌تواند افزون بر ۲۲۰ میلیون مترمکعب آب را در سال ذخیره کند، که چیزی در حدود یک‌پنجم کل مصرف فعلی تخمین زده می‌شود.

در شرایطی که برخی راهکارهای پرهزینه و بلندمدت مانند انتقال آب از دریا به پایتخت مطرح می‌شود، ساده‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و در عین حال مؤثرترین راه، در دسترس تکتک شهروندان قرار دارد اصلاح الگوی مصرف است. به نظر می‌رسد حتی اگر منابع بیشتری نیز به چرخه تأمین افزوده شود، بدون مدیریت مصرف، مسئله ناترازی در تهران همچنان پابرجا خواهد ماند.

«جهان اقتصاد» گزارش می دهد

خورشید پشت ابرهای وعده؛ ایران و رؤیای برق سبز

داده بود پتل خورشیدی خانگی نصب شود، نه آموزش فنی داده شد و نه تعمیر و نگهداری منظم انجام شد. همین بی‌توجهی، باعث کاهش انگیزه و بدبینی مردم نسبت به این طرح‌ها شده است.

در ابتدای دهه ۱۳۹۰، ورود بخش خصوصی به حوزه انرژی تجدیدپذیر با استقبال همراه بود. اما در سال‌های اخیر، بدقولی در پرداخت‌ها، نبود مشوق مالی، و روند‌های اداری فرسایشی موجب شده بسیاری از شرکت‌ها از ادامه فعالیت منصرف شوند. برخی از آن‌ها پروژه‌های نیمه‌تمام خود را به امید ثبات اقتصادی رها کرده‌اند.

مقایسه با کشورهای منطقه نیز جالب توجه است. عربستان سعودی تا سال ۲۰۳۰ قصد دارد ۵۰ درصد برق خود را از منابع تجدیدپذیر تأمین کند. امارات، پروژه‌های عظیمی چون «پارک خورشیدی محمد بن راشد» را با سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری راه‌اندازی کرده است. حتی کشور فقیر افغانستان در برخی مناطق مرزی با ایران، با کمک سازمان‌های بین‌المللی، برق خورشیدی را به جای دیزل جایگزین کرده است.

کارشناسان باور دارند با سیاست‌گذاری درست، می‌توان طی ۵ سال آینده سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد برق ایران را به بالای ۱۰ درصد رساند.

اگرچه انرژی خورشیدی و بادی فرصتی بی‌بدیل برای ایران هستند هم برای تأمین پایدار انرژی، هم برای کاهش آلودگی هوا و هم برای توسعه اشتغال در مناطق محروم اما تا زمانی که سیاست‌گذاری، بودجه و اراده واقعی برای توسعه آن‌ها شکل نگیرد، این فرصت طلایی همچنان پشت ابرهای بی‌برنامگی خواهد ماند.



حتی کشورهایی با منابع طبیعی کمتر، با انگیزه و سیاست‌گذاری هدفمند، مسیر انرژی پاک را با شتاب پیموده‌اند.

طرح‌های متعددی از جمله خرید تضمینی برق تجدیدپذیر، ایجاد شهرک‌های انرژی پاک، و پرداخت تسهیلات برای نصب پتل خورشیدی خانگی ارائه شد. اما بیشتر این طرح‌ها یا به دلیل کمبود منابع مالی، یا پیچیدگی‌های اداری، عملاً متوقف یا محدود شدند. در برخی مناطق روستاییان پتل خورشیدی نصب کردند اما ماه‌هاست پول برق تولیدی خود را از دولت نگرفته‌اند. شعار مردمی‌سازی انرژی پاک در سال‌های اخیر پررنگ شده، اما در عمل، هنوز زیرساخت اجرایی کافی وجود ندارد. مثلاً در برخی مناطق محروم که وزارت نیرو وعده

و توان پرداخت بدهی‌های خود به سرمایه‌گذاران تجدیدپذیر را ندارند.

یارانه‌های کلان به گاز و برق فسیلی باعث شده رقابت برای انرژی تجدیدپذیر ناعادلانه شود. قیمت تمام‌شده برق خورشیدی یا بادی در ایران در مقایسه با برق گازی، هنوز غیرجذاب به نظر می‌رسد؛ البته نه به دلایل فنی، بلکه به دلیل سیاست‌گذاری اشتباه.

طبق اعلام سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، مجموع ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور تا پایان سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۲۰۰ مگاوات رسیده است. این در حالی‌ست که در سال ۲۰۲۴، ترکیه (با جمعیت و موقعیت جغرافیایی مشابه) بیش از ۱۲ هزار مگاوات برق خورشیدی تولید می‌کند.



در حالی که جهان با شتابی بی‌سابقه در حال عبور از سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های پاک است، ایران همچنان در پیچ‌وخم وعده‌ها و موانع اجرایی، از کاروان جهانی انرژی‌های تجدیدپذیر عقب مانده است. سهم اندک انرژی خورشیدی و بادی در سبد تولید برق کشور، سوالاتی جدی درباره سیاست‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و اراده اجرایی برای توسعه این بخش مطرح می‌کند. چرا با این همه آفتاب، هنوز در خاموشی گیر می‌کنیم؟

ایران یکی از افتاب‌ترین کشورهای جهان است؛ بیش از ۳۰۰ روز آفتابی در بیشتر مناطق کشور. در کنار آن، برخی استان‌ها مانند سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کرمان مستعدترین نقاط برای انرژی بادی هستند. اما واقعیت سبد تولید برق کشور چیز دیگری است: بیش از ۹۰ درصد برق ایران از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. طبق آمار رسمی، در سال ۱۴۰۳ سهم تجدیدپذیرها در تولید برق کشور کمتر از ۲ درصد بوده است؛ عددی که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دو رقمی و در حال افزایش است.

قوانین ناپایدار، تعرفه‌های خرید تضمینی غیرقابل‌تأیید و تغییر مداوم مقررات باعث شده بسیاری از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی از ورود به این حوزه صرف‌نظر کنند. شرکت‌های توزیع برق اغلب با کسری بودجه مواجه‌اند

مدیرکل مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان توانیر ضمن هشدار به مشترکان پرمصرف درباره پیامدهای مالی مصرف بالای برق، از آمادگی صنعت برق برای جبران خسارت ناشی از نوسانات یا قطعی‌ها خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از توانیر، عبدالامیر یاقوتی با اشاره به ترکیب مصرف‌کنندگان برق در کشور اظهار داشت: در حال حاضر حدود ۴۲ میلیون مشترک برق در کشور وجود دارد که نزدیک به ۳۳ میلیون مشترک آن خانگی، بیش از ۵ میلیون مشترک اجاره‌ای، ۲۸۰ هزار مشترک صنعتی، ۶۰۰ هزار مشترک کشاورزی و بیش از ۲ میلیون مشترک عمومی هستند. سهم بخش صنعت در مصرف برق ۳۶.۵ درصد، خانگی ۳۲ درصد، کشاورزی ۱۷ درصد، عمومی ۱۱ درصد و تجاری حدود ۶ درصد است.

وی ضمن هشدار درباره مصرف بالا در روزهای گرم تابستان، گفت: استفاده از تجهیزات سرمایشی کم‌مصرف مانند کولرهای آبی در مناطقی مثل تهران می‌تواند تا حد زیادی در کاهش مصرف برق مؤثر باشد. همچنین بستن در و پنجره‌ها در ساعات گرم روز و جلوگیری از تابش

مستقیم نور خورشید، به خنک نگه‌داشتن فضای داخلی کمک می‌کند. یاقوتی درباره نحوه جبران خسارات ناشی از نوسانات یا قطعی‌های برق نیز افزود: بیمه تجهیزات برقی منازل از طریق سامانه بیمه‌گر توانیر قابل پیگیری است. مشترکان می‌توانند از طریق نشانی اینترنتی bime.tavanir.org.ir یا بارگذاری مستندات، نسبت به دریافت خسارت اقدام کنند. این بیمه مواردی چون آتش‌سوزی، انفجار و آسیب ناشی از نوسانات برق را شامل می‌شود و حق بیمه آن از محل قبض مشترکین دریافت می‌شود. مدیرکل مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان درباره تعرفه‌های برق نیز گفت: الگوی تعرفه‌ها به‌صورت پلکانی و تصاعدی طراحی شده است. مشترکانی که کمتر از ۳۰۰ کیلووات‌ساعت مصرف دارند، هزینه‌ای بسیار پایین می‌پردازند، اما با افزایش مصرف به ویژه بیش از ۱.۵ برابر الگو، نرخ برق به‌صورت نجومی افزایش پیدا می‌کند. این سازوکار با هدف مدیریت تقاضا و تشویق به مصرف بهینه طراحی شده است. وی در پایان ضمن تشکر از همراهی مشترکان، تأکید کرد: مصرف هوشمندانه، نه‌تنها به کاهش هزینه‌ها کمک می‌کند بلکه پایداری شبکه برق و پیشگیری از خاموشی‌ها را نیز تضمین خواهد کرد.

هشدار به مشترکان برق؛ پرمصرف‌ها نقره‌داغ می‌شوند



بررسی چالش‌های کسب و کار و نقش مهارت آموزی در نشست فعالان اقتصادی گلستان با وزیر کار



